

۲۴۹، ۵۴۲

مصادیق کفر و ایمان

قرآن کریم

تفسیر موضوعی

مؤلف: عباس صنعتکار

پیشکش

موسسہ جهانی بیٹن علیہ السلام

سرشناسه	: صنعتکار، عباس، ۱۳۳۹-
عنوان و نام پدیدآور	: مصادیق کفر و ایمان در قرآن کریم: (تفسیر موضوعی) / مولف عباس صنعتکار.
منتخبات نشر	: قم: مؤسسه جهانی سبطین (ع)، ۱۳۹۸.
منتخبات ظاهری	: ۲۴۰ ص.
شابک	: 978-600-7070-36-9
وضعیت فهرست نویسی	: فبا
موضوع	: ایمان (اسلام) -- جنبه های قرآنی
موضوع	: Faith (Islam) -- Qur'anic teaching
موضوع	: کفر و کافران -- جنبه های قرآنی
موضوع	: Kufr (Islam) -- Qur'anic teaching
موضوع	: مومنان در قرآن
موضوع	: Believers in the Quran*
رده بندی کنگره	: BP ۱۰۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۰۷۲۸۲



آدرس: قم، خیابان انقلاب (چهارمردان)، کوچه ۲۶، پلاک ۴۷ و ۴۹

تلفن: ۰۲۶۰۳۳۳۰ + ۹۸ ۲۵ ۳۷۷۰۶۲۳۸ فاکس: ۰۲۶۰۳۳۳۰ + ۹۸ ۲۵ ۳۷۷۰۶۲۳۸

قم، خیابان معلم، مجسمه ناسران، طبقه اول، پلاک ۱۰۶

تلفن: ۰۲۶۰۴۲۴۱۹ + ۹۸ ۲۵ ۳۷۸۴۲۴۲۰ فاکس: ۰۲۶۰۴۲۴۲۰ + ۹۸ ۲۵ ۳۷۸۴۲۴۲۰

URL: www.sibtayn.com E_mail: sibtayn@sibtayn.com

شناسنامه کتاب

نام کتاب: مصادیق کفر و ایمان در قرآن

مؤلف: عباس صنعتکار

با کوشش و نشر: مؤسسه جهانی سبطین ع

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۹۸

چاپخانه: سلیمان زاده

قطع: وزیری

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۷۰-۳۶-۹

کلیه حقوق این اثر برای مؤسسه جهانی سبطین ع محفوظ است.

روزنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

مؤسسه امام صادق علیه السلام

ایمان و فکر

تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۸۶

شماره

پشت

پهلو

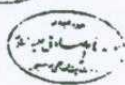
آیت الله العظمی جعفر سبحانی

ایمان و فکر دو مفهوم متضاد نمی باشند که از اندیشه سید بن ربیع، دیگری نیز دارد حوزه ذهن انسان می شود. درباره این دو مفهوم کلامی و بهر یک معنی فقهی از دو دیدگاه می توان گفت:

۱- تمهید و اندازه گیری مفهوم این دو واژه که چه از نظر لغت و چه از نظر روان شناسی و این بخش از مهم ترین مباحث فقهی است که امروزه بر اثر تأملات گاهایی از شاخه گشته و تکلیفی بر می آید که جز خود دیگران را کافری دانند و بیان نموده ای گردد که هر کس که کافیه معنی کرده است و کتابی که هم اکنون پیش روی شما قرار دارد و در بخش اینها هم نوشته است هر چند سبب بر روی آن دوی بخش دوم است و کار هر یک، نه دایره ای است این جانب توفیق دانشمند گرامی جناب آقای حاج شیخ عباس صفی کار را از اجزای مسائل خواندیم.

تم - مؤسسه امام صادق علیه السلام
محمد سبحانی

۲۵ مرداد ۱۳۸۶



قرآن، خود را «کتاب مبین»، «تبیان» و «هدایت برای همه مردم» نامیده است. از این رو، هر کس با هر سطح معرفتی - اگر منصف و بی غرض باشد - می تواند از این اقیانوس بی کران بهره ببرد و از دل آن گوهرهای ناب به دست آورد و تشنگی خویش را فرو بنشاند. قرآن، چون از جانب خدای بی نهایت بر قلب مبارک پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است؛ بالطبع معارف آن نیز بی نهایت خواهد بود و هر چه بر آن زمان بگذرد شاداب تر و نو تر خواهد شد.

عالمان مسلمان و حتی غیر مسلمان - با همه اختلاف دیدگاه هایی که داشته اند و دارند - به قرآن نگریسته و در آن اندیشیده اند: گروهی به جنبه اجتماعی و گروهی به جنبه تربیتی و اخلاقی آن توجه کرده اند. گروهی راه تأویل را پیش گرفته و گروهی از جنبه عقلی بدان اهتمام ورزیده اند و گروهی نیز تفسیر روایی را سامان داده اند. به هر روی، هر کس به اندازه بضاعت و توان خویش به تعبیری «از ظن خویش» بدان نگریسته است و گروهی نیز هوا و هوس خود را بر قرآن تحمیل کرده اند. البته با تمام تلاش ها، هنوز «حضرت قرآن» بکر و دست نخورده است و هر چه زمان می گذرد، جلوه های دیگری از این «مأذبه الهی» بر مشتاقان و علاقه مندان روشن می شود.

در این میان، اغلب تفاسیری که نگاشته شده است، تفسیر ترتیبی است و البته تفسیر بر اساس نزول قرآن - با همه اختلاف هایی که در ترتیب نزول سور قرآنی هست - نیز نوشته شده است. از بین همه انواع تفاسیر و روی کردها به قرآن، تفسیر موضوعی جلوه ای خاص دارد؛ چون در این گونه، سعی بر آن است که به یک موضوع از همه جوانب نگریسته شود.

مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام با توجه به مفید بودن چنین شیوه ای، پس از آن که اثر را از مؤلف محترم دریافت کرد، کوشش هایی بر روی آن انجام داد و آن را آماده نشر کرد. نویسنده در این نوشته، به موضوعی کاربردی و حیاتی پرداخته و همه جوانب آن را - تا حد توان - بررسیده است. موضوع مورد تحقیق،

«مصادیق کفر و ایمان در قرآن» است و در آن به مصادیق اسمی و وصفی این دو واژه کلیدی پرداخته شده است؛ موضوعی که می‌توان آن را یکی از شاخه‌های درخت تناور علوم قرآنی دانست که در زمین اسلام رویده است. آگاهی از این مصادیق، دیدگان آدمی را بینا می‌سازد تا راه را از بی‌راهه تشخیص دهد و به سرنوشت اقوام و افراد مذکور در قرآن دچار نشود. از سویی آگاهی از سرنوشت نیکان به انسان نشاط و امید می‌دهد و راه را می‌گشاید و از سویی دیگر آشنایی با سرنوشت بدان و تیره‌بختان، آدمی را به هشیاری فرا می‌خواند.

گمان نشود ذکر این داستان و روی‌دادها، تنها مربوط به گروهی از پیشینیان بوده است و به مخاطبان امروزی و همه مخاطبان در طول تاریخ ارتباطی ندارد؛ نه، چنین نیست؛ زیرا چنان‌که گفته‌اند: «مورد، مخصّص نیست» و این سرگذشت‌ها برای همه افغای بشر می‌تواند رخ دهد.

از این رو، به اعتقاد نویسنده محترم گونه‌شناسی مصادیق، امر بسیار مهمی است که راه را به همه می‌نمایاند و این را هدایت می‌کند و به مطلوب می‌رساند؛ چرا که قرآن ﴿هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ است.

البته آدمی در پیمودن این راه مختار است و اجباری در کار نیست که ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾ و، به تعبیر قرآن، ما راه هدایت را نمایانیم، خواه آدمی سپاس‌گزاری پیشه کند و یا ناسپاسی: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾.

مایه بسی فخر و مباهات است که این اثر با تقریظ فقیه و مفسر بزرگ، حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جعفر سبحانی، دامت برکاته، مزین گشته است. مؤسسه جهانی سبطین علیهم‌السلام ضمن قدردانی از مؤلف گرامی و ویراستار محترم، توفیق ایشان را از خداوند بزرگ خواستار است.

مؤسسه جهانی سبطین علیهم‌السلام

اردیبهشت ۱۳۹۸ شمسی - رمضان المبارک ۱۴۴۰ قمری

مقدمه

قرآن به عنوان آخرین و کامل ترین کتاب آسمانی در تبیین مفاهیم شناختی و معرفتی و برای ارائه الگوی زندگی از مصادیق و نقش آفرینی آن ها بسیار سخن گفته و از سرگذشت پیامبران الهی (علیهم السلام)، اقوام پیشین و شخصیت های تأثیرگذار بر جامعه به وفور یاد کرده است. ضرورت بحث مصداق شناسی در فرهنگ قرآن زمانی ملموس تر خواهد بود که دانسته شود مخاطب قرآن و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) توده های مردم اند: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ﴾^(۱) و این توده ها نه در قلمرو جغرافیایی محصورند و نه در عرصه زمان، چرا که رسالت و هدایت، با درنوردیدن زمان و مکان، همگس را فرا گرفته است: ﴿هُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾^(۲). طبیعی است که توده های مردم کمتر می توانند از مفاهیم بلند و معرفتی عمیق قرآن استفاده کنند. از این رو، قرآن شیوه آموختن متناسب با «ناس» و هدایت همگانی را به کار گرفته است؛ از سرگذشت پیشینیان بهره برده و بر مصداق شناسی در جریان های فکری، سیاسی، و اجتماعی تکیه کرده است تا، هم فهم حقایق برای عموم بشر آسان تر شود و هم، تعلیم و تربیت همگانی راحت صورت پذیرد. بر این اساس، مصداق شناسی در فلسفه دعوت انبیای الهی از ارکان بشارت و انذار است و مصداق با قصه و تاریخ پیوندی ناگسستنی دارد تا در سعادت و شقاوت بشر نقشی ایفا کند.

مصادیق از کلمات مضاف است که به اعتبار مضاف الیه می تواند انواع

۱. سبأ: ۲۸.

۲. آل عمران: ۹۶.

مختلفی داشته باشد و در قرآن نیز انواع مختلفی از مصادیق قابل مطالعه است که به چند دسته تقسیم می‌شود:

مصادیق طبیعی، که ارتباطی با رخ داده‌های گذشته ندارد و در پی بیان واقعیت‌های طبیعی است؛

مصادیق تاریخی، که در رخ داده‌های گذشته نمود یافته و داستانی را در اطراف خود پدید آورده است؛

مصادیق تمثیلی، که واقعیت خارجی ندارد و برای فهم بهتر مطلب در ذهن مخاطب به کار گرفته می‌شود.

گونه‌شناسی مصادیق در قرآن، به عنوان کتاب هدایت، مسئله مهمی است؛ هدایتی که هدف همه انبیای الهی است و فراگیری آن زمان و مکان را درمی‌نوردد و از سویی، قدرت انتخاب و آزادی تعیین سرنوشت را از بشر سلب نمی‌کند. قرآن گرچه راه را از بی‌راهه مشخص کرده؛ کسی را به انتخاب راه و انداخته است؛ چنان که ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الْإِسْلَامُ لِلنَّاسِ بِالْقَيِّ﴾^(۱) بیانگر آن است؛ یعنی در گرایش مردم به دین اجباری نیست؛ زیرا راه درست به خوبی از راه نادرست [در قرآن] مشخص شده است. مشخص بودن مسیر از سویی و آزادی انتخاب از سوی دیگر، سبب پدیداری دو طبقه موافق و مخالف در طول تاریخ شده است: کسانی که واقعیت را شناخته‌اند، به آن باور داشته و تسلیم آن شده‌اند و کسانی که در برابر واقعیت شناخته شده، لجاجت کرده و بی‌راهه را ترجیح داده‌اند.

در قرآن، تعبیر ایمان و کفر یا مؤمن و کافر اشاره به این دو طبقه دارد، که فرمود: ﴿فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾^(۲)؛ [در مقابل حق و حقیقت] بعضی از شما کافر و بعضی از شما مؤمن‌اید. یا فرمود: ﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ

۱. بقره: ۲۵۶.

۲. تغابن: ۲.

وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ^(۱)؛ و به آنان بگو که حق از جانب پروردگار شماست. پس هر که بخواهد ایمان آورد و هر که بخواهد کافر شود. یا فرمود: ﴿وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ^(۲)؛ ولی [بعد از دلیل های روشن] آن ها باهم اختلاف کردند و از بین آنان کسانی ایمان آوردند و کسانی کافر شدند. قرآن این آزادی را به مثابه نوعی و لنگاری بشر ندانسته است؛ زیرا از مجازات کسانی نیز یاد کرده است که در برابر حقایق آشکار، لجابت می کنند و از سویی نیز، با ذکر مصادیق مختلف ایمان و کفر همراه آثار و نتایج آن ها و عاقبت کافران و مؤمنان در عالم دنیا و آخرت، پیوسته راه هدایت را گشوده و روشن نگاه داشته است. قرآن خود مصادیق وصفی و اسمی ایمان و کفر را در طول تاریخ بیان کرده و فرموده است: ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ^(۳)؛ ما داستان های حقیقی را برای تو حکایت می کنیم. هم چنین، فرمان داده است تا این شیوه برای هدایت مردم استمرار یابد: ﴿فَأَقْصَصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ^(۴)؛ پس، این داستان را برای آنان بخوان، باشد که بیندیشند؛ زیرا تنها صاحبان خرد را داستان ها پند می آموزند: ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ^(۵).

بر این اساس، مؤلف نوشتار حاضر، جهت پژوهش، مصداق شناسی کفر و ایمان را برگزید و آن را در دو بخش مصادیق اسمی و وصفی سامان داد تا نشان دهد که خداوند متعال با بیان مصادیق مختلف، الگوهای واقعی هدایت بشر را ارائه داده است و هم چنین، به فرمان ﴿فَأَقْصَصِ الْقَصَصَ﴾ عمل کرده باشد تا قدمی در جهت جداسازی راه از بی راهه برای خردورزان برداشته باشد.

۱. کهف: ۲۹.

۲. بقره: ۲۵۳.

۳. کهف: ۱۳.

۴. اعراف: ۱۷۶.

۵. یوسف: ۱۱۱.

در موضوع مصادیق کفر و ایمان، آثار مفیدی نشر یافته است؛ اما هر یک کاستی‌هایی دارد، به‌خصوص آن‌که در آن‌ها به همه مصادیق کفر و ایمان در قرآن پرداخته نشده است. از این جهت، به یاری خداوند متعال سعی شده است که همه مصادیق کفر و ایمان در قرآن بازشناسی شود تا در ذهن کسی این گمان پدید نیاید که مصادیق کفر و ایمان مربوط به مسائل گذشته و محدود به چند نفر بوده است، بلکه نشان داده شود که این مصادیق می‌تواند در درازای تاریخ به اشکال مختلف جلوه کند و دو جریان حق و باطل را استمرار بخشد. آنگاه، برای سهولت مطالعه و دستیابی آسان‌تر به مصادیق، آن‌ها به صورت الفبایی مرتب، و سپس، با کمک آیات و روایات و تفاسیر، تشریح و تبیین شده‌اند.

در انتها، مؤلف بر خود لازم می‌داند که از کلیه عزیزانی که این اثر را، با صبر و حوصله، مطالعه کرده و در صدد رفع اشکال‌های متنی و محتوایی آن برآمده و نکته‌های ارزشمندی را متذکر شده‌اند، به‌خصوص از حجت الاسلام دکتر حسین حسینیان مقدم، که نویسنده و ناشر تنظیم چارچوب بحث راهنمایی کرده‌اند، و نیز از همه عزیزانی که در آماده‌سازی این اثر نقش داشته‌اند، به ویژه ویراستار محترم خانم مرضیه نیکوکار و آقای بوذرجمعی معزی، دبیر اجرایی مؤسسه، جناب آقای ربیعی و در رأس همه، حضرت آیت الله موسوی اصفهانی، ریاست محترم مؤسسه که ما را به چاپ این نوشته تشویق کردند، تشکر و قدردانی کند و از خداوند متعال می‌خواهد بر توفیقات روزافزون این عزیزان بیفزاید.